

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۶۹/۰۱/۱۰

انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوی‌تر و عمیق‌تر می‌کند. بدبختی جوامع اسلامی، به خاطر دوری از قرآن و حقایق و معارف آن است. آن کسانی از مسلمانان که معانی قرآن را نمی‌فهمند و با آن انس ندارند، وضعیتشان معلوم است. حتی کسانی هم که زبان قرآن، زبان آن‌هاست و آن را می‌فهمند، به خاطر عدم تدبیر در آیات قرآن، با حقایق قرآنی آشنا نمی‌شوند و انس نمی‌گیرند. می‌بینید که آیهی «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» یعنی خداوند مومنین را زبردست و زبون کفار قرار نداده است در کشورهای عربی و به وسیله‌ی مردم عرب زبان در دنیا خوانده می‌شود، اما به آن عمل نمی‌گردد. در آیات قرآن، توجه و تنبه و تدبیر نیست؛ لذا کشورهای اسلامی عقب مانده‌اند.

انس با قرآن، یعنی قرآن را خواندن و باز خواندن و باز خواندن و در مفاهیم قرآنی تدبیر کردن و آن‌ها را فهمیدن. فارسی‌زبانان می‌توانند از ترجمه‌ی قرآن استفاده کنند و کلمات قرآنی را به طور تقریب بفهمند و مضامین آیات قرآن را دریابند و در آن‌ها فکر و تأمل کنند. اگر در آیات قرآن تأمل نکنیم، اراده و استقامت ما قوی‌تر و بیشتر از این خواهد شد. همین آیات قرآنی است که توانست در روزگاری، انسان‌هایی را تربیت کند که با دنیای کفر و ظلمات بستیزند. همین معارف است که ملت بزرگ ما را وادار کرد و مجهز نمود که با دنیای مدرن مظلّم جاهلیت مدرن و جاهلیت قرن بیستم مقابله کند. امیدواریم که ملت ما روز به روز به قرآن و حقایق قرآنی نزدیک‌تر بشوند.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۶۹/۰۲/۱۰

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد. مساجد به عنوان پایگاه‌های معنویت و تزکیه و هدایت، روز به روز گرم‌تر و پررونق‌تر شود و نشان ایمان و عمل و اخلاق اسلامی، در گوشه و کنار جامعه، از جمله در مراکز دولتی و ادارات و دانشگاه‌ها، همه را به پیروی از تعالیم نورانی قرآن تشویق نماید. کتاب خدا در میان مردم حضور واقعی بیابد و آموختن و تدبیر و تعمق در آن، برای همه خصوص جوانان و نوجوانان، امری رایج و دایر گردد. در این مورد، مسئولیت علما و آگاهان و نویسندگان و گویندگان و رسانه‌های عمومی، بسی مهم و خطیر است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۰/۰۱/۱۶

امروز به مناسبت روز نوزدهم ماه مبارک رمضان، در خطبه‌ی اول چند جمله‌ای در باره‌ی امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) عرض خواهیم کرد؛ لیکن قبلاً به مناسبت اینکه ماه رمضان در شرف دهه‌ی سوم و رو به اتمام است، در جهت قدردانی از روزها و شبهای ذک‌قیمت و بابرکت این ماه تذکراتی بدهم. این ماه، ماه روزه است؛ ماه نزول قرآن و انس با قرآن است؛ ماه عبادت و دعا و مناجات است که دعا مغز و روح عبادت است ماه استغفار و توبه و بازگشت از راههای ناپسند نزد خدای متعال و رعایت تقوای الهی است؛ ماه جهاد است که در این ماه مبارک، غزوه‌ی بدر در سال دوم هجرت، و فتح مکه در سال هشتم هجرت، و شروع غزوه‌ی حنین در همان سال اتفاق افتاده است ماه جهاد با نفس و جهاد با شیطان و جهاد با دشمنان خداست؛ ماه آمادگی و ماه ذخیره‌ی تقواست؛ ماه صلحی رحم، صدق و بر با برادران دینی، آشنایی با معارف، آشنایی و تدبیر در قرآن، و خلاصه ذخیره کردن سرمایه‌ی حرکت الهی در طول یک سال است. امید است که روزهای گذشته را با عمل بر وفق مقتضیات این ماه گذرانده باشیم و روزهای آینده را بیشتر قدر بدانیم و در کار نفس خود، در معامله‌ی با احکام الهی، در برخورد با مردم، در تدبیر و ارتباط با قرآن، و در تصمیم و عزم بر مجاهدت با نفس، یک تصمیم جدی و یک اقدام قاطع انجام بدهیم. من به عمل کردن به این توصیه‌ها، از شما محتاج‌ترم. این توصیه‌ها، توصیه‌های بزرگان دین و امیر المومنین صاحب امروز است. این روزها را مغتنم بشمارید و رابطه‌تان را با خدا مستحکم کنید. در سایه‌ی این ارتباط قوی، به سمت حل مشکلات دینی و دنیوی حرکت خواهیم کرد و ان‌شا‌الله به آن نایل خواهیم شد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۰/۰۵/۲۲

دعا کنید، نافله بخوانید، توجه پیدا کنید، متذکر باشید؛ در شبانه‌روز، یک ساعت را برای خودتان و خدای خودتان قرار بدهید؛ از کارها و اشتغالات گوناگون، خودتان را بیرون بکشید؛ با خدا و با اولیای خدا و با ولی‌عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه و ارواحنا فداه) مانوس بشوید؛ با قرآن مانوس باشید و در آن تدبیر بکنید. من بیشتر از شما محتاجم که کسی این حرفها را به من بزند. بنده هم بایستی مورد همین موعظه‌ها قرار بگیرم؛ همه‌مان محتاجیم. این‌طوری می‌توان این بار سنگین و این امانت استثنایی الهی را که در طول این چندین قرن بعد از صدر اسلام، خدای متعال آن را بر دوش احدی نگذاشت که بر دوش شما گذاشت، به سرمنزل رساند؛ و الا روسپاهی دنیا و آخرت است.

بیانات در دیدار جمعی از قاریان قرآن / ۱۳۷۰/۱۱/۱۷

عزیزان من! قرا قرآن! جوانان پاک‌دل انقلابی ما! این رابطه را روز به روز با قرآن بیشتر کنید؛ در خانواده‌ها عطر قرآن را در فضا منتشر کنید؛ قرآن را بخوانید و بخوانید؛ در قرآن تدبیر کنید. دشمن نمی‌خواهد مسلمانان آیات قرآن را مثل علم در دست بگیرند؛ چون قرآن تکلیفها را معین کرده است؛ تکلیف مسلمانان را، تکلیف جهاد را، تکلیف زندگی اسلامی و مرگ اسلامی را.

ما باید رابطه‌مان را با قرآن روز به روز مستحکم‌تر کنیم. در خانه‌ها قرآن بخوانید. حتی در هنگام بیکاری، چنانچه مختصر فراغت پیدا می‌کنید، خودتان را به قرآن وصل کنید. هر روز مقداری قرآن بخوانید و آن را فرابگیرید. این روشهای تجویدی را فرابگیرید. از این معلمان و اساتیدی که عمدتاً از کشور مصر آمده‌اند، هرچه ممکن است، استفاده کنید. این استاد «ابو العینین شعیب» که یک پیر قرآن است، بنده از سی سال پیش شاید هم بیشتر با صدا و نوارهای ایشان آشنا هستم؛ این‌ها عمرشان را با قرآن گذرانده‌اند؛ این‌ها کسانی هستند که در این رشته‌ی قرائت و تلاوت قرآن کار کرده‌اند؛ خوب هم کار کرده‌اند؛ حایر مراتب خوب هم شده‌اند. آنچه را که این اساتید قرآن دارند، از آن‌ها فرابگیرند. البته قرآن یک دریای عمیق و یک بحر واسع است و نهایتی ندارد؛ هرچه پیش بروید چه در سطح قرآن، چه در اعماق آن همچنان امکان سیر و پیشرفت و حرکت وجود دارد.

بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه قم / ۱۳۷۰/۱۱/۲۰

حوزه‌ی علمیه، یک دستگاه تولیدی و یک کارخانه‌ی عظیم انسانی است؛ باید دائم تولید کند؛ باید کتاب تولید کند؛ آدم و عالم تولید کند؛ متدین تولید کند؛ فکر تولید کند و حرف تازه‌ای بزند. حرف تازه که تمام نشده است. بزرگان ما می‌گویند که هر وقت به قرآن مراجعه می‌کنیم و در آن تدبیر می‌کنیم، حرفی می‌یابیم که قبلاً نیافته بودیم؛ خیلی خوب، این حرف تازه است. بعضیها نگویند که هرچه حرف تازه است، در دین است؛ دیگر چه حرف تازه‌ای می‌خواهید. بله، ما همان دین را درست نشناختیم! باید حرفهای تازه‌ی دین را در بیاوریم؛ «یک‌عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت». این‌طور نیست که همه‌ی حرفهای دین همین چهار تا حرفی است که من و شما در منبرها یا در کتابهای علمی و تبلیغی و رساله‌مان بیان کرده‌ایم؛ نخیر، بیش از این‌هاست؛ شما جلو بروید، خدا به شما حرف جدید خواهد داد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۲/۰۲/۲۸

در پایان، به حجاج عزیز، توصیه می‌کنم از فرصت حج، حد اکثر استفاده را برای کسب آشنایی با برادران مسلمان خود بکنند و اوضاع جهان اسلام را از زبان و رفتار مسلمانان به دست آورند، تجربه‌ها، آرزوها، دستاوردها و تواناییها را باهم مبادله کنند و حج خود را به حج مورد نظر اسلام هرچه نزدیک‌تر سازند. به برادران و خواهران عزیز ایرانی نیز توصیه می‌کنم که با زبان و عمل، مبلغان و پیامرسانان انقلاب پرشکوه و کشور بزرگ و ملت قهرمان خود، به برادران کشورهای دیگر باشند. جوار کوتاه مدت خانگی خدا و حرم پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و موافق با ارزش حج و سرزمین پرخطرهای حجاز را، برای زنده کردن دل با یاد خدا و تحکیم پیوند معنوی خود با رسول الله (صلی الله علیه و آله) و عترت طیبی آن بزرگوار (علیهم‌السلام) و بخصوص توجه و توسل به حضرت ولی‌الله الاعظم که بی‌شک فیض حضور مقدسش در مراسم حج شامل دل‌های با معرفت است، و انس با قرآن و تدبیر در آیات بینات آن و دعا و تضرع و توسل که مایه تقرب به خدا است، مغتنم بشمرند و از آن بهره ببرند و برای رفع گرفتاریهای مسلمین و قوت و عزت روزافزون اسلام و جمهوری اسلامی دعا کنند و علو درجات روح مطهر امام راحل و ارواح طیبی شهدای اسلام را از خداوند مسئلت نمایند.

بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن / ۱۳۷۲/۱۰/۱۲

برادران عزیز همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم کافی است؟ این‌که در هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم کافی است؟ امروز من می‌گویم، این‌که ما در جلسه‌ی تلاوت قرآن شرکت کنیم کافی است؟ این‌که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم کافی است؟ نه، چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبیر در قرآن است. باید در قرآن تدبیر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبیر کنیم. (۱) عزیزان من! اگر ما یاد گرفتیم که با قرآن به‌صورت تدبیر، انس پیدا کنیم، همه‌ی خصوصیتی که گفتیم حاصل خواهد شد. ما هنوز خیلی فاصله داریم؛ پس باید پیش برویم. این‌که شما می‌بینید از اول انقلاب تا امروز، مسوولین و دلسوزان کشور، قرآن را در تلاوت، در حفظ و در تعقیب مراسم مربوط به قرآن مطرح کرده‌اند، برای این است که ما به آنجا نزدیک شویم. البته تلاوت قرآن با صدای خوش، کار بسیار خوبی است. روایت دارد که امام سجاد علیه‌السلام - هم درباری امام سجاد علیه‌السلام دارد، هم درباری امام باقر علیه‌السلام - وقتی تلاوت می‌کردند، کسانی که از نزدیک محل تلاوت ایشان می‌گذشتند، زانوهایشان می‌لرزید و سست می‌شد و نمی‌توانستند حرکت کنند. می‌ایستادند تلاوت قرآن را گوش می‌کردند و وقتی حظ خودشان را می‌بردند، به راهشان ادامه می‌دادند. (۲) تلاوت قرآن با صوت خوش و با آداب که شیوه‌ی خاصی دارد، موسیقی خاصی دارد، روش خاصی دارد، امور لازمی است. اینها انسان را نزدیک می‌کند؛ اما کافی نیست. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این‌طور می‌گوییم: قرآن را به صورت بنای معطمی، دارای سالنها و حجره‌ها و زوایای گوناگون و اعماق فراوان در نظر بگیرید. این عمارت وسیع و عظیم، سردر و مدخلی دارد. اگر آن مدخل را زیبا ساختیم، مردم برای ورود در آن عمارت، تشویق می‌شوند. مدخل آن بناک رفیع، همین تلاوت‌های زیبایی است که این‌جا خوانند. کاشیکاری دم در، این تلاوت است. حال وارد شوید.

بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن / ۱۳۷۲/۱۰/۱۲

عزیزان من! قرآن نور است و حقیقتا دل و روح را روشن می‌کند. اگر با قرآن انس پیدا کنید، می‌بینید که دل و جان شما نورانی می‌شود. به برکت قرآن بسیاری از ظلمات و ابهامها از قلب و روح انسان زدوده می‌شود. آیا این بهتر نیست؟ «یخرجهم من الظلمات الی النور». به‌وسیله‌ی قرآن است که خدای متعال می‌فرماید: «اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ آمَنُوا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ الِی النُّورِ». به برکت قرآن است که انسان از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلظها، به نور هدایت راه پیدا می‌کند. قرآن، کتاب معرفت است. ما در زمینه‌ی زندگی، در زمینه‌ی آینده، در زمینه‌ی تکلیف کنونی، در زمینه‌ی هدف از بودن و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، خیلی از مسائل را نمی‌دانیم. بشر مشحون به جهالت‌هاست و قرآن برای انسان معرفت می‌آورد.

قرآن کتاب نور، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خداست. ما این خصوصیات را چه وقت از قرآن به دست می‌آوریم؛ برادران عزیز؟ همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم کافی است؟ این‌که در هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم کافی است؟ امروز من می‌گویم، این‌که ما در جلسه‌ی تلاوت قرآن شرکت کنیم کافی است؟ این‌که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم کافی است؟ نه، چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبیر در قرآن است. باید در قرآن تدبیر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبیر کنیم. عزیزان من! اگر ما یاد گرفتیم که با قرآن به‌صورت تدبیر، انس پیدا کنیم، همه‌ی خصوصیتی که گفتیم حاصل خواهد شد. ما هنوز خیلی فاصله داریم؛ پس باید پیش برویم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۲/۱۱/۲۸

من یک‌وقت می‌خواستم بحثی قرآنی در این خصوص عرض کنم که فعلا مجالش نیست. بحث قرآنی مربوط به ماجرای حضرت موسی علیه‌السلام است که از آن ماجراهای عبرت‌آمیز و عجیب تاریخ است. در باره‌ی این ماجرا هرچه بگویم تمام نمی‌شود. واقعا قرآن گنجینه‌ی عظیمی از تجربه‌ی موسوی برای ماست. در این ماجرای عجیب، یکی از نقاط برجسته، خراب و فاسد شدن کسانی از همراهان موسی علیه‌السلام است که از همراهی او برگشتند. من این‌ها را عرض می‌کنم تا کسانی که اهل تامل در آیات قرآنند، دنبالش بروند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۵/۱۰/۱۹

آقایان محترم که به شهرهای مختلف تشریف می‌برید و با مردم حرف می‌زنید! به جوانان اقبال کنید؛ حقایق دینی را صریح با مردم در میان بگذارید؛ ارواح و نفوس مردم را تصفیه کنید. مردم احتیاج دارند؛ اهل شنیدن و باور کردن و پذیرفتن هستند. دل‌ها پاک است. آیات کریمه‌ی قرآن و روایات نورانی اهل بیت را با دقت، با تامل، با تدبیر و با بیان شافی و وافی مطرح کنید. آن چیزهایی را که متضمن نضایح اخلاقی و هدایت‌های فکری است و به ذهنها نور می‌افشانند، به این دل‌ها فروخوانید. آن‌ها را هدایت کنید.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۷۶/۰۶/۰۲

این رابطه با خدا را همه باید داشته باشند؛ اما شما که مسئول هستید و یکی از مدیریتهای بالا در دست شماست شما که می‌گوییم، یعنی ما مسئولان، که من خودم از شما به این کار اولی هستم جزو شایسته‌ترین افرادی هستید که باید این رابطه‌ی ویژه را با خدا داشته باشید. نماز با توجه و با حضور بخوانید؛ به نوافل اهمیت دهید و سعی کنید که در روز مقداری قرآن تلاوت کنید. هیچ روزی بر شما نگذرد که مقداری قرآن و لو ده آیه، پنج آیه با تدبیر تلاوت نکنید. این، به شما نورانیت می‌بخشد. انتظار این را نداشته باشیم که اگر امشب نافله خواندیم، فردا مثلا گشایش مهمی در کارمان بشود و اثرش ظاهر گردد؛ نه، در دعاهاک ما، نفس رابطه‌ی با خدا، جزو بدیهیات و محکّمات ادعیه‌ی ماست و خدای متعال، متضرعین الیه را مورد توجه و عنایت خاص قرار می‌دهد. تضرع، این خواص را دارد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۶/۱۰/۰۳

ماه رمضان، ماه مبارکی است. برکات رمضان، از خود آحاد و افراد مسلمانی که می‌خواهند در ضیافت الهی در این ماه وارد شوند، شروع می‌شود؛ از دل‌ها شروع می‌شود. اولین حقیقتی که تحت تاثیر برکات این ماه قرار می‌گیرد، دل و جان مومنین و روزه‌داران و وارد شوندگان به عتبه‌ی مقدس و مبارک این ماه است. از طرفی روزه‌ی این ماه، از طرفی تلاوت قرآن در این ماه و از طرفی انس با ادعیه‌ای که در این ماه وارد شده است، انسان را در معرض یک تزکیه و تهذیب و تصفیه‌ی باطنی قرار می‌دهد و ما همه به این تصفیه احتیاج داریم.

علاوه بر اینکه هر فرد مسلمانی احتیاج دارد به اینکه در این ماه ذخیره‌ی تقوا و پرهیزکاری و تهذیب و تزکیه را برای خود فراهم کند، ما منسلکین در سلک روحانیت،

بیشتر از دیگران به این معنا احتیاج داریم. به قول آن عارف معروف که می‌گوید: «آب که از برکات الهی است، همه‌ی پلیدیها و ناپاکیها را از بین می‌برد؛ هر جسمی که با آب تماس می‌گیرد، پاک می‌شود؛ ولی خود آب تحت تاثیر تماس با ناپاکها و ناپاکیها، به تصفیه احتیاج پیدا می‌کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می‌کند؛ به آسمان می‌برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمی‌گرداند، پلیدیها را از آن جدا می‌کند، آن را تصفیه می‌کند و باز به صورت ما ظهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می‌دهد.»

گوینده‌ی این سخن حکمت‌آمیز می‌گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ما طهوری است که ناپاکیها را از انسانها می‌زاید؛ اما خود این ما طهور بتدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می‌کند و تزکیه و تصفیه‌ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد ممکن نمی‌شود.» با ذکر، با توجه، با توسل، با مناجات، با نافله، با تضرع در مقابل خداوند، با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، این ما طهور باز همان طهارت خود را به دست می‌آورد؛ آماده می‌شود تا بازم با پلیدیها مواجه گردد و آن‌ها را از جسم و جان بشر و عالم برداید. بنابراین، ماه رمضان فرصت این عروج معنوی است.

همیشه فرصت هست. ماه شعبان و ماه رجب نیز همین‌طور است. ایام دیگر سال هم برای انسان‌هایی که اهل ذکر و توجهند، همین‌طور است؛ «انما تذر من اتبع الذکر». پیروی از ذکر یعنی به یاد آوردن و توجه کردن مایه‌ی نجات جان بشر است. در همه‌ی ایام سال، در همه‌ی شبها، در نیمه‌شبها، با تلاوت قرآن، با تدبیر در قرآن، با خواندن این دعاها پر مغز و عمیق و این لحن عاشقانه‌ای که در این دعاها هست بخصوص ادعیه‌ی صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجاده می‌شود این تسویه‌ی باطن را به وجود آورد؛ ولی ماه رمضان یک فرصت استثنایی است. لیالی و ایام این ماه، هر ساعت و هر دقیقه‌اش برای انسان بخصوص برای جوانان یک فرصت است.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بانوان اندیشمند و سخنان بانوان در این دیدار / ۱۳۷۷/۰۷/۱۸

اصلاً تدبیر برای تفسیر کردن نیست؛ برای فهمیدن مراد است. انسان هر سخن حکیمانه‌ای را دوگونه می‌تواند تلقی کند: یکی سرسری و با سهل‌انگاری؛ یکی با دقت و کنجکاوانه. این اصلاً به مرحله‌ی تفسیر کردن و تعبیر کردن نمی‌رسد. تدبیر که در قرآن لازم است، پرهیز کردن از سرسری نگریستن در قرآن است؛ یعنی شما هر آیه‌ی قرآنی را که می‌خوانید، با تامل و ژرف‌نگری باشد و دنبال فهمیدن باشید. این همان تدبیر است و بدون اینکه نیازی به این باشد که انسان، سلاقی خودش را به قرآن تحمیل کند که همان تفسیر به رای است خواهید دید که با بهایی‌ی از آن معرفت، به حسب محتوای آیه هرچه که محتوای آیه است باز می‌کند.

اشکال عمده در کار قرآن‌خوانی‌های بی‌تامل، این است که اصلاً روی جملات درنگ نمی‌کنند. خوب؛ شما وقتی سخن حکیمی، یا سخن حکمت‌آمیزی را می‌شنوید، باید به آن دل بدهید؛ بدون دل دادن که اصلاً انسان مراد را نمی‌فهمد. هر کتاب عادی بخصوص اگر کتاب پرمغزی باشد، بخصوص اگر حکیم فرانسه‌ی بزرگی آن را نوشته باشد همین حالت را دارد. اگر سرسری بخوانید و رد شوید، از آن چیزی نمی‌فهمید. قرآن می‌گوید: «مرا سرسری نخوانید» قرآن از عالی‌ترین مقام است؛ از قله‌ی معرفت عالم وجود است. این است که انسان باید تامل کند و چون عمق این آیات و این مفاهیم، خیلی زیاد است، هرکسی تامل کند، از آن استفاده خواهد کرد حتی خود پیغمبر خود پیغمبر هم اگر تامل کنند که البته پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) همیشه قرآن را با تامل و تدبیر می‌خواندند از قرآن استفاده می‌کنند.

البته ما هم استفاده می‌کنیم. مثل سطوح مختلف دریاست که هرکس در هر سطحی برود، بهره‌ای از آن خواهد برد حالا این تشبیه نارسایی است، لیکن برای تقریب به ذهن است البته هر چیزی را که انسان نفهمید، هر معنایی را که درست، سر در نیابد و ترکیب یا عبارت مشکلی بود، به تفسیر مراجعه می‌کند. منظورم این است که تدبیر، اصلاً به عالم «تفسیر به رای» نزدیک نمی‌شود.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۷/۰۸/۲۶

امروز بحمد الله در کشور ما جوانان با همان سرمایه‌ی معنویت و نورانیت و صفایی که در آن‌ها هست، گام‌های بلندی را برداشته‌اند. امروز قرآن یک امر مهجور در جامعه‌ی ما نیست. جوانان و نوجوانان با قرآن آشنا می‌شوند؛ طبقات مردم با قرآن انس می‌گیرند، ارتباط پیدا می‌کنند و معارف قرآن را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ بسیاری از احکام اسلام هم در کشور اجرا می‌شود. البته ما به قدر ظرفیت و توان و به قدر آنچه که همت خود ما بود، پیش رفته‌ایم؛ اما این پایان راه نیست؛ این، همه‌ی ظرفیت اسلام نیست. اگر ملتی همت کند و دلسوزان این ملت وجود خود را وقف حرکت عمومی این ملت به سمت معارف اسلامی و حقایق اسلامی کنند، آنچه که به دست آن‌ها خواهد آمد، به قدری درخشان است که از افق حدس و گمان انسان هم خارج است. در زیر سایه‌ی اسلام، برای پیشرفت، میدان باز است؛ هم پیشرفت علمی، هم پیشرفت عملی، هم پیشرفت اخلاقی، هم پیشرفت سیاسی، هم عزت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمان‌های بزرگ انسانی. در محیط اسلامی و زیر سایه‌ی اسلام، هیچ حجاب و حدی برای انسان وجود ندارد. بی‌همتی و کم‌همتی ماست، کوناهای انسان‌هاست که نمی‌گذارد آن‌ها از اسلام استفاده کنند. در محیط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشن‌فکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن بپردازند، خواهند توانست بهره‌های زیادی ببرند.

اسلام را آن‌چنان که فهم صحیح انسانی و در متون اصیل اسلامی هست، باید فهمید، باید دانست و با هدایت قرآنی از آن بهره برد. خود قرآن «تبیانا لكل شیء» است؛ راهنماست، بیان است، خط است. در جوامع اسلامی، به اهل فکر و نظر تلقین می‌کنند که این تلقین هم دنباله‌های همان تسلط فکری غرب و فرهنگ غربی است که از سیطره‌ی تفکر اسلامی واهمه دارد که اسلام را بایستی با ابزار و با فهم معارف غربی دانست! این‌طور نیست. البته همه‌ی معارف، انسان را آگاه می‌کنند و برای فهم بهتر مه‌ی نمایند؛ اما اسلام را از خود اسلام باید گرفت؛ حقایق اسلام را از متون اسلام باید گرفت؛ حقایق اسلام را با مصطلحات خود اسلام بایستی دانست و فهمید و مورد عمل قرار داد. اسلام مشعل راهنمای فکر و ذهن انسانها و هدایت‌گر انسان‌هاست. قرآن، کتاب هدایت و کتاب نور است. آن کسانی که به قرآن مراجعه و تدبیر می‌کنند و زمینه‌ی لازم و استعداد لازم را در خود به وجود می‌آورند، برای اینکه از معارف قرآن استفاده کنند، آن‌ها می‌توانند از قرآن بهره ببرند. نباید ملاحظه کرد که آنچه ما از اسلام می‌فهمیم، در قضاوت کسانی که با اسلام میانه‌ی ندارند، از اسلام خوششان نمی‌آید و اسلام را مزاحم خودشان می‌دانند چه در زمینه‌های اقتصادی و چه در زمینه‌های سیاسی چه تاثیری دارد؛ آیا آن‌ها خوششان می‌آید، آیا فهم ما را از اسلام قبول دارند یا نه؟ اسلام به عنوان هدایت انسانها در دنیایی قرار گرفت و وارد بشریت شد که از همه طرف انکار و تکذیب بود. پیامبر را با انواع تهمت‌ها متهم می‌کردند. شما قرآن را ملاحظه کنید؛ تعبیراتی که دشمنان پیامبر در باره‌ی پیامبر به کار می‌بردند، تعبیراتی است که هر انسانی را که ضعیف باشد، خرد می‌کند، می‌شکند و جرات و جسارت او را برای بیان مراد خود از بین می‌برد؛ اما پیامبر اعتنا نکرده و حرف خدا را که بر زبان او جاری و بر دل او الهام شده بود، بیان نمود و نورانیت کلام الهی کار خود را کرد.

بیانات در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرآن / ۱۳۷۷/۰۹/۰۱

قدم اول برای عمل کامل به قرآن، آشنایی با متن قرآن است. در دوره‌ی رژیم طاغوت، مردم ما با قرآن آشنا نبودند. کسانی که می‌توانستند قرآن را از رو بخوانند آن هم به صورت غلط محدود بودند. جوانان و کسانی که در مدارس دوره‌ی پهلوی رشد پیدا کرده بودند، هیچ با قرآن آشنایی نداشتند. اگر یک‌وقت پدر و مادر مومنی داشتند، آن‌ها را در گوشه‌های دوره‌ی قرآنی می‌گذاشتند و خودشان یاد می‌گرفتند. مدارس ما در آن روز، حامل مسئولیت تربیت قرآنی نبود؛ قرآن در فضای جامعه، غریب بود. در این شهر تهران بزرگ، دوره‌های قرآن که چند نفر دور هم می‌نشستند و استنادی به آن‌ها درس می‌داد تجوید، یا قرانت معدود بودند. در شهرهای دیگر هم همین‌طور بود. وقتی قرآن وارد جامعه می‌شود، حضور قرآن، حلاوت خود را به کامها می‌چشانند. امروز قرآن در کشور ما سیطره دارد. قدم اول، یاد گرفتن متن قرآن است و این باید روز به روز زیاد شود. اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده‌ای باید در اوج قرار گیرند مثل همه چیز دیگر همین‌طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگها، بین زنها و مردها رواج پیدا کند، بایستی

قهرمانان قرآنی را احترام کنید. این است که ما به این‌ها احترام می‌کنیم. این‌ها حامل قرآنند، این‌ها عزیزند. زبان این‌ها عزیز است، لبها و دلهای این‌ها عزیز است؛ چون با قرآن مانوس است. جان ما به قربان قرآن! اما اینجا تمام نمی‌شود؛ حفظ قرآن، فهمیدن مفاهیم و ترجمه‌ی کلمه‌ی قرآن، برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است. وقتی که کلمات قرآن را فهمیدید، آن وقت تدبر لازم است. حتی آن کسی که الفاظ عربی را هم خوب بلد است، اگر تدبر نکند، بهره‌ی کمی از قرآن خواهد برد. در قرآن، تدبر لازم است تدبر یعنی اندیشیدن در مفاهیم قرآنی این سخن عمیقی است، این سخن بزرگی است؛ باید در آن تدبر کرد. گوینده‌ی آن، ذات اقدس الهی است. کلمات آن هم مال ذات اقدس الهی است یعنی الفاظش، نه فقط مفاهیمش لذا بایستی در آن دقت کرد، باید آن را فهمید، باید در آن غور کرد. این‌ها حاصل نمی‌شود، مگر با انس با متن قرآن.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

در پایان خطبه‌ی اول، من چند دعا هم بکنم: اللهم صل علی محمد و آل محمد. پروردگارا! تو را به ذات مقدس و به اسما و صفات خودت و به اولیای سوغند می‌دهیم که این ماه رمضان را برای ملت ما مبارک فرما. پروردگارا! توفیق دعا، عبادت، تضرع، روزه، تلاوت قرآن و تدبر در قرآن به همه‌ی ما عنایت کن.

بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و فرانت قرآن کریم / ۱۳۷۹/۰۸/۰۹

تلاوت قرآن یک فضیلت بزرگ و یک ثواب است؛ اما این تلاوت وسیله‌ای برای رسیدن به معرفت است. این قرآن یک اقیانوس عظیم است. هرچه بیشتر جلو بروید، تشنه‌تر می‌شوید و علاقه‌مندتر می‌شوید و دل شما روشن‌تر می‌شود. در قرآن باید تدبر کرد. من بازهم از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه‌ی قرآن را بفهمید. من بارها این را از جوانان خواسته‌ام و بسیاری هم اقدام کرده‌اند. قرآن را که هر روز تلاوت می‌کنید. هرچه تلاوت کردید، ترجمه‌ی آن را هم نگاه کنید؛ بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شود. در آن صورت فرصت تدبر پیدا خواهید کرد.

بیانات در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهال و نوجوان کشور / ۱۳۸۰/۰۶/۲۸

امروز که حکومت اسلامی تشکیل شده و نظام جمهوری اسلامی به وجود آمده است، ما معنای بسیاری از آیات قرآن را می‌فهمیم، که قبل از تشکیل حکومت اسلامی، تصویر گنگ و مبهمی از آن آیات داشتیم. امروز که دشمنیهای استکبار و قدرتهای ظالم و ستمگر و افزون‌طلب در مقابل چشم ماست و صف‌آراییهای آن‌ها را مشاهده می‌کنیم- توطئه‌ها و نقشه‌های آن‌ها و نوع فریب افکار عمومی یا فریب بعضی ذهنهای آلوده‌ی برخی از خواص- برای ما آشکار می‌شود که عمق معنای آیه‌ی قرآن چیست و به کجا اشاره می‌کند و چه آسیب‌هایی را برای ذهن خوانندگان و متدبران در قرآن مجسم می‌کند. قدر این را باید دانست. ما در جامعه‌ی خودمان مبالغ زیادی از آموزش قرآن عقب‌افتادگی داریم. باید این‌ها را جبران کنیم. اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شیوات دشمنان بی‌اثر خواهد شد. البته همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور باید کمک کنند. باید مفاهیم قرآنی به وسیله‌ی خبره‌های این کار دسته‌بندی شود و به تناسب در جای خود و در کتابهای درسی- چه در مدرسه‌ها و چه در دانشگاه‌ها- گنجانده شود. این ارتباط باید دائمی باشد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۲/۱۰/۲۹

حج‌گزاران عزیز را به خشوع و ذکر و انابه و تلاوت قرآن با تدبر و حضور در نمازهای جماعت و مهریابی با حاجیان کشورهای دیگر و پرهیز از وقت‌گذرانیهای بی‌بهره، فرامی‌خوانم و از خداوند متعال موفقیت و عافیت و قبولی عبادات شما را مسئلت می‌کنم و همه را به دعا برای حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه و فرارسیدن حکومت عدل جهانی آن ذخیره‌ی الهی دعوت می‌کنم.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۸

برادران عزیز و خواهران عزیز! بارتان سنگین و کارتان دشوار است. اگر خوب عمل کنید، اجرتان دو برابر است؛ اما اگر خدای نکرده بد عمل کنید، مواخذه‌تان هم دو برابر است. برای اینکه بتوانید این راه را سالم طی کنید و ۱۴۵۰ روزی را که در پیش دارید، بخوبی سپری کنید، باید خود را به خدا وصل کنید. قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید. هر روز حتما قرآن بخوانید؛ هر مقداری می‌توانید. آن‌هایی که ترجمه‌ی قرآن را می‌فهمند، با تدبر به ترجمه نگاه کنند. آن‌هایی که ترجمه‌ی قرآن را نمی‌فهمند، یک قرآن مترجم خوب- که الحمد لله زیاد هم داریم- کنار دستشان بگذارند و به ترجمه‌ی آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید؛ اما هر روز بخوانید؛ این را یک سیره‌ی قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید، فردا از دنباله‌اش بخوانید. تا آنجایی که می‌توانید، به نماز و توجه و ذکر در نماز و به نوافل اهمیت دهید. خدای متعال به پیغمبر اکرم می‌فرماید: «قم اللیل الا قليلا. نصفه او انقص منه قليلا. از زد علیه و رتل القرآن ترتیلا. انا سنلقى علیک قولا ثقیلا»؛ یعنی نصف شب را بیدار بمان، یا دو ثلث شب را بیدار بمان و عبادت کن- که این برای پیغمبر است؛ من و شما خیلی دهنمان می‌چاید که از این حرفها برای خودمان بزنیم- چرا؟ «انا سنلقى علیک قولا ثقیلا»؛ ما می‌خواهیم سخن سنگینی را به تو القا کنیم؛ می‌خواهیم حرف بزرگی را به تو بزنیم؛ بنابراین باید خودت را آماده کنی.

بار سنگین احتیاج به آمادگی روحی دارد؛ این آمادگی روحی هم همین‌طوری به دست نمی‌آید. اینکه ما بگوییم آقا برو دلت را صاف کن، بله، اساس همان صاف کردن دل است؛ اما صاف کردن دل فقط از راه نماز، از راه توسل، از راه توجه و از راه ذکر به دست می‌آید. اگر کسی خیال کند که می‌توان دل و روح را بدون این‌ها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبر و با دقت، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجاده، دل انسان صاف می‌شود؛ و الا این‌طوری نیست که بگوییم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی.

بیانات در دیدار قاریان قرآن کریم / ۱۳۸۲/۰۷/۱۲

باید با قرآن انس پیدا کنید. زبان ما، زبان قرآن نیست؛ می‌توانیم به ترجمه‌ی قرآن مراجعه کنیم؛ اما عمق‌یابی مضامین قرآنی فقط با مراجعه‌ی به ترجمه نمی‌شود؛ کما اینکه با خواندن متن قرآن هم برای کسانی که می‌فهمند، همیشه به دست نمی‌آید؛ با تدبر به دست می‌آید؛ با عمق‌یابی به دست می‌آید. با قرآن باید مثل آینه مواجه شد؛ پاکیزه، براق و بی‌زنگار؛ تا قرآن در دل ما منعکس شود. قرآن باید در جان ما انعکاس پیدا کند؛ این همیشه و برای همه نیست؛ برای کسانی است که دلشان را با صفای باطن و نفس پاکیزه کنند؛ با ایمان، با باور و با قبول با قرآن مواجه شوند؛ و الا کسانی که دل معاند دارند، بناک بر نشنیدن و نفهمیدن دارند. نوای قرآن، کلام قرآن و پیام قرآن در دل آن‌ها اثری نمی‌کند؛ «و لو اننا نزلنا الیهم الملائکه و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قیلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله»؛ اگر برای برخی افراد زمین را به آسمان بدوزی، این دل ناباور و زنگار گرفته، نزدیک نمی‌شود و ایمان نمی‌آورد. لذا قرآن را هم می‌خواند، اما به قرآن نزدیک نمی‌شود.

باید به قرآن نزدیک شد. شما جوانهای عزیز و همه‌ی جوانهایی که این حرف را در سرتاسر کشور می‌شنوید، بدانید در قرآن حکمت هست، نور هست، شفا هست. عقده‌هایی که بر اثر چالشهای موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید، سرانگشت حکمت قرآنی می‌تواند همه‌ی این عقده‌ها را باز کند؛ این واقعیت است؛ دلها را باز می‌کند، شرح صدر می‌دهد، امید می‌دهد، نور می‌دهد، عزم راسخ برای حرکت در صراط مستقیم می‌دهد. با قرآن باید مواجه شد و این‌ها را گرفت.

بیانات در دیدار اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۷/۱۷

دوستان سعی کنند در همه‌ی اوقات- بخصوص در ماه رمضان- تلاوت قرآن را از یاد نبرند. قرآن نباید از زندگیتان حذف شود. تلاوت قرآن را حتما داشته باشید؛ هرچه ممکن است. تلاوت قرآن هم با تامل و تدبیر اثر می‌بخشد. تلاوت عجله‌یی که همین‌طور انسان بخواند و برود و معانی را هم نفهمد یا درست نفهمد، مطلوب از تلاوت قرآن نیست؛ نه اینکه بی‌فایده باشد- بالاخره انسان همین‌که توجه دارد این کلام خداست، نفس این یک تعلق و یک رشته‌ی ارتباطی است و خود همین هم مغتنم است و نباید کسی را از این‌طور قرآن خواندن منع کرد لیکن تلاوت قرآنی که مطلوب و مرغوب و مامور به است، نیست. تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبیر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، که به نظر ما می‌شود فهمید. اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبیر کند؛ دو بار، سه بار، پنج‌بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا می‌کند که با بیان دیگری حاصل نمی‌شود؛ بیشتر با تدبیر حاصل می‌شود؛ این را تجربه کنید. لذا انسان بار اول وقتی مثلاً آیه‌ی مرتبط به هم را می‌خواند، یک احساس و یک انتباه دارد؛ بار دوم، پنجم، دهم که همین را با توجه می‌خواند، انتباه دیگری دارد؛ یعنی انسان انشراح ذهن پیدا می‌کند. هرچه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می‌فهمد؛ و ما به این احتیاج داریم. عزیزان! کسانی که پایشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعائری بود، شعارهایی بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت. لذا در گذشته ما کسانی را دیدیم که آدم‌های خیلی تند و داغ و پرشوری هم بودند، بعد صد و هشتاد درجه وضع این‌ها عوض شد. سالهای اول انقلاب کسانی بودند- من با خصوصیات، آدم‌هایش را می‌شناسم؛ یعنی کلیات نیست- که افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی بودن و فهم درستش از انقلاب و از راه امام، نفی می‌کردند. بعد از گذشت مدتی، مشی این‌ها آنچنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آن‌ها که آدم‌های باانصاف‌تری بودند، صریحا، و بعضی‌شان ملتویا و مزورا انکار کردند. آدم‌های بی‌انصاف‌ترشان این‌ها هستند، که به یک معنایی هم تظاهر می‌کنند؛ اما باطنشان این‌طور نیست. این به خاطر این بود که این‌ها عمق نداشتند. البته این یکی از عوامل است؛ یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال این‌هاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می‌کند. بسیار کسانی بودند که عمق نداشتند. یکی از راههایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در مبنای فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می‌کند، انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتما قرآن با تدبیر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.

بیانات در دیدار قاریان شرکت کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۸۵/۰۷/۰۴

اگر ما معتقدیم- که معتقدیم- که عمل به قرآن، اساس و محور احیا قرآن است و مسئله به تلاوت و خواندن و این‌ها ختم نمی‌شود- که به آن اعتقاد داریم؛ معتقدیم باید به قرآن عمل کنیم، باید جامعه‌مان را قرآنی کنیم، باید فکرم‌ان را قرآنی کنیم، باید عملمان را قرآنی کنیم، باید قرآن را باور کنیم؛ قرآن را باور کنیم و وعده‌ی قرآن را وعده‌ی صدق و حق بدانیم، همین‌طور که خود قرآن می‌فرماید: «و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا لا میدل لکلماته»؛ همچنانی که باید تعاملمان با شخص خودمان، با افراد خانواده‌مان، با افراد محیط کارمان، با افراد اجتماعمان، با مسلمین کشورهای دیگر، با قدرتها، با ملتها و همه‌ی این‌ها باید با نفس و روح قرآنی تنظیم بشود؛ این‌ها همه‌اش درست است و به آن اعتقاد داریم؛ احیا قرآن، عمل به قرآن و گرامیداشت قرآن این است؛ این‌ها درست- اما این‌ها معنایش این نیست که ما تلاوت قرآن را دست کم بگیریم. من می‌خواهم به شما «قرآنی‌ها» که اهل تلاوت، اهل تجوید و اهل لحن و آهنگ و صوت و خواندن قرآنید- این را تاکید کنم، گاهی شنیده می‌شود که بعضی می‌گویند آقا به قرآن باید عمل کرد؛ خوب، این حرف درستی است؛ اما مقصودشان این است که تلاوت قرآن و آرایه‌های قرآنی را دست کم بگیرند! من با این مخالفم. تلاوت قرآن هم جزو یک مجموعه و منظومه‌ای است که این‌ها همه به هم متصل است؛ این هم بایستی مورد توجه قرار بگیرد و گرامی داشته شود. هم باید تلاوت بکنید و هم باید معانی قرآن را بفهمید؛ اگر معنای قرآن را نفهمید، می‌توانید بهتر تلاوت کنید. الان فرا حالا را با فرا بیست سال قیلمان مقایسه کنیم، که این حرکت قرآنی در کشور ما تازه و آرام آرام شروع شده بود؛ بعضیها خوب هم می‌خواندند، صداها خوب بود و شیوه‌های فرا معروف را هم یاد گرفته بودند و می‌خواندند؛ اما دلنشین نبود؛ چرا؟ چون از معانی و مفاهیم آیات هیچ سر در نمی‌آوردند؛ این معلوم بود. اما امروز آن‌طور نیست؛ امروز جوانهای ما این آیتانی را که می‌خوانند، خود کیفیت خواندنشان، حکایت از این می‌کند که این‌ها معنای آیه را می‌فهمند و به مفهوم آیه توجه دارند. پس اول باید خوب بخوانید؛ تلاوت را خوب، زیبا و جامع و صحیح بخوانید؛ دوم، معانی و مفاهیم قرآنی را بفهمید، و سوم، قرآن را حفظ کنید. حفظ قرآن خیلی مهم است. شما جوانها به این احتیاج دارید و می‌توانید. وقتی شما حافظ قرآن هستید، این تکرار آیات قرآنی و انس دائمی با قرآن، به شما فرصت می‌دهد که در قرآن تدبیر کنید. «تدبیر در قرآن» با همین‌طور خواندن و رد شدن به دست نمی‌آید؛ با یک‌بار و دوبار خواندن هم حاصل نمی‌شود؛ با تکرار و انس با آیه‌ای از قرآن و امکان تدبیر در آن به دست می‌آید. و چقدر لطایف در قرآن کریم هست که این‌ها را جز با تدبیر نمی‌توان فهمید. بنابراین حفظ و فهم معانی قرآن و تلاوت آن لازم است.

بیانات در دیدار قاریان / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

امروز از این تلاوتها و این نغمه‌های شیرین و دلنشین قرآنی که بحمد الله جوانان ما روز به روز بهتر و جذاب‌تر و شیرین‌تر در آن پیش می‌روند، لذت بردیم؛ هم این دو نوجوانی که تلاوت کردند، هم گروههای دسته‌جمع که همخوانی کردند، خیلی خوب بودند؛ و هم فرا عزیزمان که انسان هر سالی که می‌شنوند این تلاوتها را، خوب احساس می‌کند که کاروان تلاوت قرآن و آهنگ‌های قرآنی از آنچه که در گذشته بوده، جلوتر آمده، و اگر مقایسه کنیم با دورانه‌های قبل- پیش از انقلاب- از صفر بلکه زیر صفر، بحمد الله به درجات عالی دست پیدا کرده؛ خیلی مایه‌ی خوشوقتی ماست. دو سه اشکال در اینجا وجود دارد که این‌ها را عرض کنیم؛ یک اشکال این است که ما خیال کنیم تلاوت قرآن و انس با قرآن و رواج قرآن یعنی فقط همین. این، یک اشکال بزرگی است که مبدا ما دچار این بدفهمی و کج‌فهمی بشویم. بنده به این تلاوتها خیلی اعتقاد دارم. قبلا در بعضی از همین جلسات، علت این اعتقاد را هم عرض کردیم که دیگر تکرار نمی‌خواهم بکنم. و خوانندگان خوبمان و تلاوتگران مسلط و استاد و وارد را حقیقتا ارجمند می‌دانم، لیکن همه‌ی این‌ها مقدمه است؛ مقدمه برای حاکمیت فضای فرهنگی قرآن در ذهن جامعه‌ی ما. یعنی شما جوان مسلمان، مرد و زن مسلمان، کودکان مسلمان باید با قرآن انس پیدا کنید. قرآن را به معنای حقیقی مخاطب قرار گرفتن در مقابل خدا، بخوانید و در آن تدبیر کنید و از آن بیاموزید. مرحله‌ی بعدش هم عمل است؛ اما من مرحله‌ی قبل از عمل را عرض می‌کنم؛ آموختن قرآن، فهم معارف قرآن، تدبیر در آیات قرآن و کلمات قرآنی. این کلماتی که شما ملاحظه می‌کنید، همان چیزهایی است که خداوند متعال به عنوان آخرین ذخیره‌ی معنوی وحی الهی به بشریت عطا کرده است. همین‌هاست که باید بشر را تا ابدآباد، تا انتهای این عالم، به راههای سعادت و فلاح و رستگاری هدایت کند؛ پر از معارف است این‌ها؛ این‌ها را باید فهمید. متأسفانه ما حجاب زبانی داریم، حجاب لغوی داریم؛ این کمبود ماست. یعنی کمبود ملتهای غیر عرب است. کسانی که زبانشان عربی است، همین‌طور که فاری تلاوت می‌کند، این‌ها که نشسته‌اند، و لو نه به صورت کامل، آن را می‌فهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والائی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمی‌فهمد.

بیانات در دیدار قاریان / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

اشکال سوم این است که ما در ماه مبارک رمضان که ماه تلاوت قرآن و ماه نزول قرآن و ماه جلسات است و ما هم که این جلسه را داریم و جلسات فراوانی هم در مساجد و محافل گوناگون است، ماه رمضان که تمام شد، قرآن را ببندیم و بیوسیم و بگذاریم کنار. این نباید اتفاق بیفتد. قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مانوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه‌ی قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه‌ی قرآن بخوانید؛ نگویند سوره‌ی حمد را می‌خوانم و این چند آیه‌ی سوره‌ی حمد با چند آیه‌ی سوره‌ی قل هو الله- یک رکعت- می‌شود همان ده آیه‌ای که فلانی می‌گوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز می‌خوانید- چه نماز نافله، چه نماز فریضه- قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید. قرآن را برای تدبیر کردن و فهمیدن و استفاده کردن بخوانید. یک نوع قرآن خواندن این است که انسان ظاهر قرآن را بگیرد بخواند تا آخر. این نوع، نمی‌خواهیم بگوئیم هیچ

اثری ندارد. البته بنده سابقها می‌گفتم هیچ اثر ندارد، بعد تجدید نظر کردم. نمی‌شود گفت هیچ اثر ندارد، ولی اثرش در قبال آن اثری که متوقع از تلاوت قرآن است، شبیه هیچ است؛ نزدیک هیچ است.

یک تلاوت، تلاوت کسانی است که آیه را می‌خوانند، لیکن- این مال امثال ماهاست- می‌خوانند برای اینکه یک نکته‌ای پیدا کنند برای گفتن در فلان منبر، در فلان سخنرانی، در فلان محفل، در فلان مجلس. این، عیبی ندارد؛ اما این نوع هم آن نیست که ما موظفیم انجام بدهیم.

یک تلاوت این است که انسان مثل یک مستمع بنشیند پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف می‌زند. مثل اینکه از یک عزیزی، از یک بزرگی، نامه‌ای به شما رسیده باشد. شما نامه را می‌گیرید می‌خوانید. برای چه می‌خوانید؟ برای اینکه ببینید چه برای شما نوشته. قرآن را این‌جوری بخوانید. این نامه‌ی خدای متعال است. امین‌ترین زبانها و دلها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم؛ بهره ببریم؛ لذا در روایت هست که سوره را وقتی که می‌خوانید، همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید، همت شما این باشد که قرآن را بفهمید؛ و لو حالا به آخر سوره، به وسط سوره، وسط جز، به وسط حزب نرسید و آن را تمام هم نکنید؛ تامل و تدبیر کنید. قرآن را این‌گونه بخوانید. اگر کسی با قرآن مانوس بشود، از قرآن دل نمی‌کند. اگر ما با قرآن مانوس بشویم، حقیقتاً از قرآن دل نمی‌کنیم.

نکته‌ی آخر هم که باز تکرار است و مکرر ما این را عرض کرده‌ایم، حفظ قرآن است. حفظ قرآن یک نعمت بزرگ است. این جوانها و نوجوانها سن توانائی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می‌توانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند. ما هم می‌توانیم حفظ کنیم؛ در سنین ما هم می‌شود؛ اما خیلی ماندگار نیست؛ زود از ذهن ما می‌رود. این‌طور نیست که در سنین امثال بنده نشود حفظ کرد؛ چرا؟ سنین بالاتر از ما- یعنی سنین هفتاد و پنج، هشتاد- می‌شود حفظ کرد. من شنیدم مرحوم آیت‌الله خونی در همین سالهای آخر عمر قرآن را حفظ کرده بود. خیلی مهم است؛ پیرمرد مثلاً هشتادساله قرآن را حفظ کند! می‌شود حفظ کرد، اما ماندگار نیست؛ از ذهن زائل می‌شود. اگر شما در دوره‌ی جوانی و بخصوص در دوره‌ی نوجوانی؛ یعنی از سن همین نوجوانهایی که اینجا برای ما تلاوت کردند یا بالاتر از این‌ها، قرآن را حفظ کنید، این یک سرمایه و ذخیره‌ای برای شماست. و امکان تدبیر در قرآنی که در حفظ انسان هست، بمراتب بیشتر از امکان تدبیر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست. گاهی انسان یک آیه‌ای را در قرآن نگاه می‌کند، مثل اینکه هرگز این آیه را تلاوت نکرده؛ اما کسی که حافظ هست، چنین چیزی برایش پیش نمی‌آید. امیدواریم خداوند متعال آنچه را که گفتیم و شنیدیم، ان شا الله در دلها بماند نافذ کند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

ریاضتی که در میهمانی این ماه وجود دارد- که ریاضت روزه و گرسنگی کشیدن است- شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهی است. برکاتی که روزه برای انسان دارد، به قدری این برکات از لحاظ معنوی و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت بزرگترین برکات این ماه همین روزه است. روزه را بعضی می‌گیرند؛ پس این‌ها وارد ضیافت شده‌اند و بهره‌ی از این ضیافت را هم گرفته‌اند. لیکن علاوه‌ی بر روزه گرفتن- که ریاضت معنوی این ماه مبارک است- این‌ها آموزش خود را هم از قرآن در حد اعلی تأمین می‌کنند؛ تلاوت قرآن با تدبیر. با حالت روزه‌داری یا حالت نورانیت ناشی از روزه‌داری، در شبها و نیمه‌شبها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگری و معنای دیگری دارد. چیزی که انسان در چنین تلاوتی از قرآن فرامی‌گیرد، در حال متعارف و معمول نمی‌تواند به چنین تلاوتی دسترسی پیدا کند؛ آن‌ها از این هم بهره می‌برند. علاوه‌ی بر این‌ها، از مکالمه‌ی با خدای متعال و مخاطبه‌ی با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را برای خدا به زبان آوردن هم بهره‌برداری می‌کنند؛ یعنی همین دعاها. این دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی، این دعاها روزها، این دعاها شبها و سحرها، این‌ها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزت الهی است؛ از این هم بهره می‌برند. بنابراین در این میهمانی، از همه‌ی دستاوردهای آن بهره می‌برند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۶/۲۱

فرصت مغتنمی است و تقریباً همه‌ی کسانی که بارهای سنگین مدیریت کشور در سطوح اصلی و اساسی بر دوش آنهاست، در این جلسه‌ی بزرگ و پراهمیت شرکت دارید. حرف سیاست و گزارش امور گوناگون کشور به وسیله‌ی رئیس‌جمهور محترم بیان شد و سخن در این باره‌ها همیشه هست و بسیار است و لازم هم هست، ولی من فکر کردم که از این فرصت، اندکی هم استفاده کنیم برای چیزی که مقدم است بر استنتاجها و تبیینها و تصمیمهای سیاسی ما؛ و آن حرف دل و حرف ایمان خالصانه‌ی ماست که می‌تواند در همه‌ی مراحل این حرکت مثل جانی در کالبد، مثل نوری در ظلمت، مثل حیات‌بخشی در میان اجسام بی‌روح، نقش بیافریند. لذا این آیات را انتخاب کردم تا این‌ها را قدری باهم مرور کنیم. خود من هرچه نگاه می‌کنم، می‌بینم احتیاج دارم به اینکه این آیه‌ی شریفه‌ی «اذکروا الله ذکرا کثیرا و سیحوه بکره و اصیلا» را تکرار کنم و در آن تدبیر کنم و به آن عمل کنم. قیاس به نفس کردم، به نظرم می‌رسد که شما هم و همه‌مان محتاج به این هستیم. می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا». این، بعد از آن است که جامعه‌ی ایمانی شکل گرفته و این جامعه‌ی آزمونهای بزرگ را از سر گذرانده است. این آیات سوره‌ی احزاب است و بعد از سال ششم هجرت نازل شده است؛ یعنی بعد از جنگ بدر و احد و جنگهای متعدد دیگر و بالاخره جنگ احزاب. در یک چنین شرائطی، قرآن به مسلمانها خطاب می‌کند که: «اذکروا الله ذکرا کثیرا»؛ خدا را ذکر کنید. ذکر یعنی یاد، ذکر و یاد در مقابل غفلت و نسیان است. غرق در عوارض و حوادث و پیشامدهای گوناگون شدن و از مطلب اصلی غفلت کردن؛ این، گرفتاری بزرگ ما بنی‌آدم است. می‌خواهند این نباشد. آنوقت این یاد هم صرف یاد کردن و متذکر شدن نیست، ذکر کثیر را از ما خواسته‌اند.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۸۶/۰۸/۲۳

اگر یک جوانی، یک مردی یا زنی در دوره‌ی حج انس با قرآن را یاد بگیرد، تامل و تدبیر در عبارات دعاها و مناجات با پروردگار را یاد بگیرد، این می‌شود سرمایه‌ای برای او در طول زندگی. حاجی اگر خود را مقید کند که در مدینه‌ی منوره یک ختم قرآن بخواند؛ در مکه‌ی مکرمه یک ختم قرآن بخواند- اینجا خانه‌ی قرآن است؛ محل نزول قرآن است- یا اگر نمی‌تواند یک ختم قرآن بخواند، یک بخش عمده‌ای از قرآن را بخواند با تامل، با تدبیر؛ اگر عادت کند به تامل و تدبیر در قرآن در این مدتی که آنجاست- بتواند عادت بدهد حاجی را به این‌چنین سیره‌ها و رویه‌های ماندگار معنوی و روحی- این برای او می‌شود یک سرمایه. قرآن یک ذخیره‌ی تمام‌نشدنی است. انس با قرآن از هر واعظی، از هر رفیق ناصحی، از هر درسی برای انسان مفیدتر است. اگر حقیقتاً انسان با قرآن رابطه برقرار کند و قرآن را بخواند برای استناره و استفاده و استضاه‌ی قلبی و معنوی خود، این برای او از هر واعظی بالاتر است. اگر انسان این انس را بتواند پیدا بکند، خیلی دستاورد بزرگی است.

بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور / ۱۳۸۸/۰۷/۲۸

در باب قرآن، ما باید اعتراف کنیم که سالهای متممادی جامعه‌ی ما با قرآن فاصله گرفت. ما در جمهوری اسلامی داریم این فاصله را کم می‌کنیم؛ عقب‌ماندگی‌ها را جبران می‌کنیم، اما این عقب‌ماندگی خیلی زیاد بوده. در دوران حاکمیت‌های طاغوت، قرآن به صورت رسمی در جامعه حضور نداشت؛ گوشه‌کنار کسانی ممکن بود با قرآن آشنا باشند- مندیبنی در خانه‌ها قرآن می‌خواندند- اما این فقط تلاوت قرآن بود؛ تدبیر در قرآن، بخصوص در سطح جامعه و در منظر عموم خیلی کم بود؛ بسیار کم بود. نتیجه این شده بود که مجموعه‌های روشن‌فکری و مجموعه‌های دانشگاهی ما یکی با قرآن فاصله داشتند؛ یعنی واقعا در بین تحصیل‌کرده‌های آن زمان، کسی که با قرآن انسی داشته باشد، آشنائی‌ای داشته باشد- نه آشنائی خیلی وسیع و عمیق، بلکه آشنائی محدود- واقعا به چشم نمی‌خورد؛ مگر کسانی که سابقه‌ی طلبگی داشتند و از دوران طلبگی، آیاتی حفظ بودند؛ اما در دیگر کشورهای اسلامی و بخصوص کشورهای عربی، به خاطر شرائطی، وضعیت این‌جور نبود و الآن هم همین‌جور است. انسان روشن‌فکرهای آن‌ها را، تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی‌شان را که در مناصب گوناگون دولتی هم هستند، وقتی ملاقات می‌کند، می‌بیند این‌ها از آیات قرآن به صورت تمثیل، به عنوان شاهد، به عنوان موید، استدلال، در کلمات خودشان استفاده می‌کنند؛ چیزی که در بین مجموعه‌ی

روشن‌فکران قدیمی ما وجود نداشت، ولی در بین نسل جوان ما چرا. این به خاطر همان دور ماندن از قرآن بود، که ما دور مانده بودیم. حالا در آن کشورها کیفیت تعلیم و تربیت چه جور بود، آن یک بحث دیگر است. در کشورهای عربی بخصوص این چیز رائجی بود؛ الآن هم هست. ما از اول انقلاب با این پدیده برخورد می‌کردیم. این سیاستمداران و دولتمردان کشورهای عربی که همیشه هم ما به دوری این‌ها از میانی قرآنی در عمل، اعتراض داشتیم و داریم و اعتراض بحق هم بود، اما قرآن در ذهن و زبان این‌ها حضور داشت. همیشه ما تأسف می‌خوریم که ما چرا این‌جوری نیستیم. مثل اینکه حالا اگر من بخواهم تشبیه بکنم، افراد با ذوق ایرانی در خلال صحبتشان ممکن است جملاتی از گلستان سعدی، از شعر حافظ، جملاتی از فلاان نویسنده معروف بیاورند، آن‌ها از قرآن همین‌جور استفاده‌هایی می‌کردند؛ اما در کشور ما چنین چیزی نبود. ما از قرآن به خاطر نوع تربیتی که قبل از انقلاب وجود داشت، فاصله گرفته بودیم.

بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران / ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

انس با قرآن و تدبیر در قرآن، همچنین تدبیر در ادعیه مائوره‌ای که اعتبار دارد- مثل صحیفه سجاده و بسیاری از دعاها- در تعمیق معرفت دینی خیلی نقش دارد. تعمیق معرفت دینی خیلی مهم است. یک‌وقت یک کسی همین‌طور روی احساسات، در نماز جماعت هم ممکن است شرکت کند، در اعتکاف هم شرکت کند، در مجلس عزای حسینی هم شرکت کند، در فلان تظاهرات دینی هم شرکت کند، اما این معرفت در عمق جان او وجود نداشته باشد؛ لذا سر یک پیچی، سر یک دست‌اندازی، یک‌هو می‌بینید که از جا در می‌رود؛ این به خاطر این است. ما نظارتش را زیاد دیدیم. توی همین مجموعه‌های انقلاب، اوائل انقلاب کسانی بودند که از ماها که ریش داشتیم و عمامه داشتیم و این‌ها، به نظر می‌رسید که این‌ها متدین‌تر و مقیدتر و پایبندتر و نسبت به دین متعصب‌ترند؛ بعد یک‌وقت- همان طوری که عرض کردم- یک دست‌اندازی پیش آمد، یک‌هو دیدیم تایش در رفت! خوب، پیداست که چفت‌وبست محکمی نداشته. بنابراین تعمیق معرفت دینی، خیلی مهم است؛ انس با معارف اسلامی، خیلی مهم است. این هم یک بخش کار فرهنگی است که باید ترویج شود. این‌ها متولی می‌خواهد، متولی‌اش هم شماست؛ هیچ‌کس دیگر نیست. یعنی شما مدیران و روسای گروه‌های تحقیقی، متولی این کار هستید. این کار را نمی‌شود به شکل اداری درست کرد و مثلا تریق کرد به یک مرکز علمی و محیط علمی؛ این را باید بنشینید برایش فکر کنید؛ این‌ها خیلی مهم است.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۹/۰۱/۱۶

در صدر اسلام، آن کسانی که ممدوح واقع شدند- حالا توی فرهنگ ما، برطبق عقیده ما- بیش از آنچه که به خاطر نماز و عبادتشان ممدوح واقع شدند، به خاطر موضوع‌گیری‌های سیاسی‌شان، اجتماعی‌شان و مجاهدتشان ممدوح واقع شدند. ما ابی ذر را، یا عمار را، یا مقداد را، یا میثم تمار را، یا مالک اشتر را کمتر به عبادتشان مدح می‌کنیم. تاریخ، این‌ها را به آن مواضعی می‌شناسد که این مواضع، تعیین‌کننده بود؛ حرکت کلان جامعه را توانست هدایت کند، شکل بدهد و به پیشرفت این حرکت کمک کند. آن‌هایی هم که مذمت شدند، همین‌جور. خیلی از بزرگان که مورد مذمت قرار گرفتند، به خاطر شرب خمر مذمت نشدند، به خاطر بی‌نمازی مذمت نشدند؛ به خاطر عدم حضور در آنجایی که حضورشان لازم بود، مذمت شدند. تاریخ، این‌جوری ثبت کرده؛ نگاه کنید، ببینید. پس کار خدا، کار معنوی، کار توحیدی، منحصر نیست در نماز خواندن؛ اگرچه نماز را دست‌کم نباید گرفت. نماز پشتوانه‌ی همه‌ی این‌هاست. تلاوت قرآن، تدبیر در قرآن، تضرع پیش خدای متعال، خواندن ادعیه مائوره- صحیفه سجاده، دعای امام حسین، دعای کمیل، بقیه‌ی این ادعیه‌ای که هست- این‌ها همه‌اش کمک‌کننده است؛ روان‌کننده‌ی حرکت موتور وجود انسان است؛ که اگر چنانچه شما با خدا انس داشتید و میان خودتان و خدا را درست و اصلاح کردید، این کارها را راحت‌تر انجام می‌دهید؛ با رغبت بیشتر، با شوق بیشتر انجام می‌دهید. بنابراین کسی که می‌خواهد کار خدا را بکند، خدای متعال کمکش می‌کند. کسی بخواهد کار دنیا را هم بکند، همین‌جور. این‌هایی که دنیا، یا مقام دنیا، یا پول دنیا، یا عیش دنیا، لذت‌های جنسی و امثال این‌ها برایشان هدف و غرض و مال بود- که حالا در دنیا نمونه‌هایش را زیاد مشاهده می‌کنید- این‌ها هم وقتی‌که در راه همان هدف خودشان تلاش کردند، خدا کمکشان می‌کند. کمک الهی به این است که وسائل را در اختیارشان می‌گذارد. همت می‌کنند، از این راه می‌روند، هدفشان هم فقط هدف مادی است؛ لذا به آن هدف می‌رسند. البته چون آن جانب اصلی را که جانب معنوی و الهی و اخروی است، ندیده گرفتند، آنجا ضرر می‌کنند؛ اما در این قسمتی که هدف گرفتند، پیش می‌روند.

بیانات در دیدار قاریان قرآن / ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

من باز هم به جوانان عزیزمان توصیه می‌کنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزیاده او نقصان، زیاده فی هدی او نقصان من عمی»؛ هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته می‌شود؛ یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا می‌کند و جاری می‌شود. انس با قرآن، مجالست با قرآن، تفهیم قرآن، تدبیر در قرآن، این‌ها لازم است. مقدمه‌ی این کار این است که بتوانیم قرآن را بخوانیم، بتوانیم قرآن را حفظ کنیم؛ حفظ قرآن خیلی موثر است. جوانها، دوره‌ی جوانی را، قدرت حفظ را قدر بدانند. خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آن‌ها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی باارزش است. حفظ قرآن این فرصت را به حافظ خواهد داد که با تکرار آیات، در قرآن قدرت تدبیر پیدا کند. این فرصت است، این توفیق است؛ این را از دست ندهید. آن‌هایی که حافظند، این نعمت بسیار بزرگ الهی را قدر بدانند؛ نگذارند حفظشان ضعیف بشود یا خدای نکرده از دست برود.

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند؛ باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ این‌ها همه لازم است. اگر این‌ها شد، هرچه زمان به جلو برود، ما به جلو می‌رویم و توقف دیگر وجود ندارد.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۹۰/۰۶/۰۹

در ماه مبارک رمضان، بسیاری از مردم موفق و باسعادت توانستند محصول زیادی را بردارند؛ محصولی که برای دوره‌ی سال آنها، بلکه در مواردی برای سراسر عمر آنها، دارای برکات خواهد بود. عده‌ای انس با قرآن پیدا کردند، از معارف قرآنی بهره بردند، تدبیر کردند؛ عده‌ای انس و مناجات با خدا را در این ماه برای خودشان رویه و روش قرار دادند و دل‌های خودشان را نورانی کردند. مردم روزه گرفتند؛ با روزه، در نفس خود صفا به وجود آوردند؛ که همین صفا و صمیمیت و نورانیت، منشأ برکات بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی است. این صفای نفسانی به انسان نیک‌اندیشی میدهد، تطهیر نفس از حسد و بخل و کبر و شهوت میدهد. صفا در نفس انسان، محیط جامعه را محیط امن و امان روحی و معنوی قرار میدهد؛ دل‌ها را به هم نزدیک میکند؛ مومنان را به یکدیگر مهربان میکند؛ ترحم به یکدیگر را در میان جامعه‌ی ایمانی گسترش میدهد. اینها همه محصولات ماه مبارک رمضان است برای مردم موفق و باسعادت.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

خدا را شکر میکنیم که توفیق درس قرآن، انس با قرآن و تلاوت قرآن به مردم ما داده شده است. در دوران طاغوت، قرآن در کشور ما مهجور بود؛ هیچ حرکت جمعی در ترویج قرآن انجام نمی‌گرفت؛ هرچه بود، میل شخصی افراد بود. در دوران جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام، یکی از برنامه‌های اصلی برای مسئولین کشور، ترویج قرآن است؛ تلاوت قرآن، انس با قرآن، فهم قرآن، حفظ قرآن، جزو برنامه‌هاست؛ که خوب، یکی از مظاهر آن هم همین مسابقات بین‌المللی است. لیکن تلاوت قرآن و قرائت زیبای آیات الهی، مقدمه است برای تدبیر در قرآن. ما نمی‌خواهیم خودمان را مشغول کنیم، سرگرم کنیم به تلاوت و به قرائت قرآن و الحان قرآنی، به عنوان یک موضوع اصلی؛ این مقدمه است، این طریق است. تلاوت قرآن با صوت خوش موجب میشود که دل انسان نرم شود، خشوع پیدا کند، آماده بشود برای فهم معارف قرآنی و آیات قرآنی؛ ما به این احتیاج داریم.

بیانات در دیدار قاریان / ۱۳۹۱/۰۴/۳۱

وقتی انس با قرآن پیدا شد، مجال تدبیر و تأمل و تفکر در معارف قرآن به دست خواهد آمد. قرآن را نمی‌شود سرسری خواند و گذشت؛ قرآن احتیاج دارد به تدبیر، تکیه‌ی بر روی هر کلمه‌ای از کلمات و هر ترکیبی از ترکیبهای کلامی و لفظی. انسان هرچه بیشتر تدبیر کند، تأمل کند، انس بیشتری پیدا کند، بهره‌ی بیشتری خواهد برد؛ قرآن اینجور است.

بیانات در دیدار قاریان / ۱۳۹۱/۰۴/۳۱

حمدالله در جامعه‌ی ما، در کشور ما، نهضت انس با قرآن، نهضت خوبی شده است. این مسئله‌ی حفظ قرآن که ما قبلاً سفارش کردیم، بحمدالله دارد در میان جوانهای ما انتشار پیدا میکند؛ باید هم انتشار پیدا کند؛ باید هم با قرآن آشنا شویم، مانوس شویم. وقتی قرآن را حفظ کردید، میتوانید معانی قرآن را درست بفهمید؛ انسان وقتی معنای قرآن را فهمید، میتواند در آن تدبیر کند؛ وقتی تدبیر کرد، میتواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند. انسان با انس با قرآن، در درون رشد پیدا میکند.

بیانات در محفل انس با قرآن / ۱۳۹۲/۰۴/۱۹

بحمدالله امروز جامعه‌ی ما با قرآن مانوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه‌ی آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی میرساند، تدبیر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوانهای کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه‌ی خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه‌ی قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب میشود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی‌ویکمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۳/۰۳/۱۲

به شما جوانان عزیز توصیه میکنم انستان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند؛ آن کسانی که با تلاوت قرآن مانوسند، این رشته‌ی مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبطند، تدبیر در قرآن را، تعمق در معانی قرآن را، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم‌به‌قدم به قرآن نزدیک میکند. اگر با قرآن مانوس شدیم، به قرآن نزدیک شدیم، مفاهیم قرآنی در دل ما توانست اثر بگذارد، آنوقت میتوانیم امیدوار باشیم که امت اسلام عزت وعده داده شده‌ی از سوی خدای متعال را [به دست خواهد آورد]؛ و لله العزه و لرسوله و للمومنین؛ (۱) این عزت را آنوقت خدا به امت اسلامی خواهد داد. اگر با قرآن مانوس شدیم، آثار و برکات آن اینها است.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در سی‌ویکمین دوره‌ی مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۳/۰۳/۱۲

به شما جوانان عزیز توصیه میکنم انستان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند؛ آن کسانی که با تلاوت قرآن مانوسند، این رشته‌ی مبارک را از دست ندهند، رها نکنند؛ آن کسانی که با قرآن مرتبطند، تدبیر در قرآن را، تعمق در معانی قرآن را، هدف خودشان قرار بدهند؛ اینها چیزهایی است که ما را قدم‌به‌قدم به قرآن نزدیک میکند. اگر با قرآن مانوس شدیم، به قرآن نزدیک شدیم، مفاهیم قرآنی در دل ما توانست اثر بگذارد، آنوقت میتوانیم امیدوار باشیم که امت اسلام عزت وعده داده شده‌ی از سوی خدای متعال را [به دست خواهد آورد]؛ و لله العزه و لرسوله و للمومنین؛ این عزت را آنوقت خدا به امت اسلامی خواهد داد. اگر با قرآن مانوس شدیم، آثار و برکات آن اینها است.

بیانات در محفل انس با قرآن / ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

قرآن کتاب معرفت است، کتاب نور است. و ما جالس هذا القرآن احد الاقام عنه بزیاده او نقصان زیاده فی هدی او نقصان فی عمی؛ این کلام منسوب به امیرالمومنین است؛ فرمود: هرکسی که با قرآن نشست، از این نشست که برخاست، یا هدایتی در او افزون شده است یا بی‌معرفتی و کوری‌ای از او کم شده است. یک افزایشی و یک نقصانی در او به‌وجود می‌آید، افزایش در هدایت و نقصان در کوری، نقصان در گمراهی، یعنی گمراهی انسان کم میشود. هدایت انسان، آگاهی انسان افزایش پیدا میکند؛ نشست و برخاست با قرآن این‌جوری است؛ این البته با توجه و تدبیر در قرآن حاصل میشود. قرآن را باید با توجه خواند؛ توجه داشته باشیم که صرف تشکیل این اصوات مطلوب نیست؛ با توجه به معانی، با توجه به مرادفات قرآنی باید قرآن را خواند؛ اگر این شد، آن وقت جامعه‌ی اسلامی راه خودش را پیدا میکند. الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور؛ از ظلمات گمراهی‌ها، از ظلمت ترس، از ظلمت توهمات، انسان خارج میشود «الی النور»؛ نور هدایت، نور معرفت، نور تقرب به پروردگار، نور انس با پروردگار. اینها خصوصیات [است] که با نشستن با قرآن و انس با قرآن برای انسان به‌وجود می‌آید و ما به این احتیاج داریم؛ امت اسلامی امروز به این احتیاج دارد. جامعه‌ی اسلامی امروز با چالشهای جدی روبه‌رو است؛ مکرر عرض کردیم توجه به چالشها به معنای این نیست که ما احساس کنیم که دشمن قوی است و بر ما غلبه پیدا خواهد کرد؛ این‌جور نیست. جامعه‌ی اسلامی با چالشها مواجه است و مواجهه‌ی با چالشها یک فرصتی است برای اینکه اسلام بتواند از مراحل سیر تاریخی حرکت به‌سوی اعتلای مورد نظر، ان‌شالله یک پله‌ی دیگر، یک حرکت دیگر، یک مرحله‌ی دیگر پیش برود؛ امروز این‌جوری است. ما در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از بیداری اسلامی، دنیای اسلام را در حال غفلت میدیدیم؛ امروز دنیای اسلام در حال آگاهی است. حوادثی هم که در دنیای اسلام رخ میدهد، به کمک آگاهی امت اسلامی می‌آید؛ ما را آگاه‌تر میکند، روشن‌تر میکند، وظایف ما را برای ما مشخص‌تر میکند. دشمنان اسلام از این بصیرت مومنین و امت اسلامی بیمناکند؛ ما این بصیرت را باید روزه‌روز تقویت بکنیم؛ اولین مرحله همین است که این چالشها را بشناسیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۹۶/۰۳/۰۷

بدانید آنچه انجام دادید یک حسنه‌ی بزرگ است؛ امروز در سراسر دنیای اسلام، هرکاری برای قرآن، و در جهت فهم قرآن و اشاعه‌ی قرآن انجام بگیرد، یکی از بزرگ‌ترین حسناتی است که میشود تصور کرد؛ این کار شما یک حسنه بود. نیتها را خالص کنید برای خدا و دور از هواجس نفسانی و دور از انگیزه‌های گوناگون، تا ان‌شالله مورد قبول پروردگار قرار بگیرد و پیش خدای متعال ماجور باشید. و این حرکت قرآنی در کشور ما بایستی ادامه پیدا کند؛ ما از قرآن دوریم؛ ما از قرآن بیگانه‌ایم؛ ما با مفاهیم قرآن ناآشنایم؛ باید کاری کنیم؛ آنقدر تلاش کنیم که مفاهیم قرآنی جزو مفاهیم رایج و گفتمانهای عمومی ملت‌های مسلمان و کشورهای ما قرار بگیرد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۹۶/۰۳/۰۷

قرآن را باید فهمید؛ ما دوریم از قرآن. از این دوری ما از قرآن، دشمن دارد استفاده میکند. دشمن روزه‌روز در ما بی‌ایمانی را تزریق میکند، لابلالی‌گری را تزریق میکند، وابستگی به خود را تزریق میکند. نگاه کنید به دولتهای اسلامی، نگاه کنید به کشورهای اسلامی، ببینید در مقابل آمریکا، در مقابل صهیونیسم، در مقابل

دشمن، در مقابل غارتگران چه وضعی دارند! این ناشی از دوری از قرآن است. ما اگر به قرآن نزدیک بشویم، همه‌ی این حرفه‌ها بر خواهد شد؛ همه‌ی این خلل و فرج بسته خواهد شد؛ هویت اسلامی در مقابل هویت کفر خودش را نشان خواهد داد. معنای اینکه ما می‌گوییم [اگر] به قرآن عمل کنیم، زندگی درست خواهد شد، این است. معارف قرآنی وجود دارد، این معارف باید تبدیل بشود به گفتمانهای عمومی در بین مردم؛ آنقدر تکرار بشود، آنقدر کار بشود، آنقدر درباره‌اش تحقیق بشود، آنقدر بنویسند، آنقدر شعرا و ادبا و هنرمندان درباره‌ی آن کار هنری بکنند که اینها بشود جزو واضحات و بینات جامعه‌ی اسلامی؛ البته این نشدنی نیست، دور از دسترس هم نیست، خیال نکنند که حالا این کارها را اگر بخواهیم بکنیم، صد سال طول میکشد؛ نه، اگر اهل دل و اهل دین همت بکنند، این کارها خیلی زود تحقق پیدا میکند؛ باید این‌جور دنبال قرآن رفت.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی / ۱۳۹۶/۰۳/۰۱

مسئله‌ی قرآن و مرجعیت قرآن و رجوع به قرآن و استفهام از قرآن در مسائل گوناگون فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مانند اینها، خیلی چیز مهمی است. ما واقعا در این زمینه‌ها کم‌کاریم؛ واقعا کم‌کاری داریم، [و در زمینه‌ی] تدبیر در قرآن برای کسانی که اهل تدبیرند؛ [این] نشان میدهد که ما خیلی خودمان را محروم کرده‌ایم از آیات الهی و از رهنمودهای آیات الهی در زمینه‌های گوناگون؛ خوب، خود این مرجعیت قرآن برای این مسئله‌ی مهم، یک موضوع اساسی و حساس است.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۶/۰۳/۰۶

بحمدالله گلهای قرآنی از سرتاسر این بوستان بزرگی که اسمش ایران است، دارد یکی‌یکی میشکند و خودش را نشان میدهد. بذر مبارک قرآن در این سرزمین پاشیده شده؛ این هنر انقلاب است، این هنر نظام اسلامی است. در گذشته این‌جور نبود؛ در دوره‌ی کودکی ما و جوانی ما، قرآن به معنای واقعی کلمه در این کشور مهجور بود؛ [البته] گوشه‌وکنار کسانی بودند که عاشقانه و مجدانه دنبال فراگیری قرآن یا تعلیم قرآن یا انس با قرآن بودند، لکن فضای عمومی بکلی [با قرآن] بیگانه بود؛ این خبرها نبود. امروز بحمدالله فضای عمومی کشور با قرآن آشنا است؛ شما می‌بینید جوانها، نوجوانها، کودکان، در سنن مختلف، از نقاط مختلف کشور، با قرآن انس دارند، با قرآن سروکار دارند؛ تلاوت میکنند، تامل میکنند، تدبیر میکنند.

پیشرفت تلاوت قرآن هم در کشور خیلی خوب بوده است. خوب از اول انقلاب، ما شاهد تلاوتهای خوب فرامان هستیم؛ پیشرفته‌ها را انسان به‌طور محسوسه‌ی مشاهده میکند. آرزوهایی که داشتیم برای اینکه تالیان قرآن و قاریان قرآن که این کارها را انجام بدهند، این‌جوری بخوانند، این‌جوری تدبیر کنند، این‌جوری بفهمند آیه را، این‌جوری القا کنند آیه را - اینها آرزوهایی بود که همیشه داشتیم - بحمدالله یکی‌یکی این آرزوها دارد برآورده میشود؛ اساتید خوب، خوانندگان خوب، جوانان خوب، نوجوانان خوب؛ خدا را شکر؛ ولی این اول کار است. عقب‌ماندگی ما در زمینه‌ی انس با قرآن و بهره‌مندی از قرآن خیلی زیاد است. اینها قدمهای اولی است که باید انجام بگیرد. بنده بارها گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم که این جلسات و این نشست‌ها و این توصیه‌کردن‌ها و این کارهایی که انجام می‌گیرد، همه مقدمه است برای اینکه فضای کشور و ذهنیت عمومی مردم ما، فضای قرآنی بشود و ذهنیت، با قرآن انس بگیرد و [مردم] با مفاهیم قرآنی انس بگیرند؛ مهم این است. اگر با قرآن انس گرفتیم، آنوقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبیر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سوالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سوالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سوالات درباره‌ی زندگی است، زندگی کردن. البته میلیون‌ها سوال در مقابل ما است. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمانهایی دارد حرکت میدهد و حرکت میکند، این [جامعه] با هزاران هزار سوال مواجه است؛ در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضوع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ اینها همه سوالاتی است که مطرح است؛ همه‌ی این سوالها جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به‌خاطر اینکه جوابهای درست این سوالها را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا - بشر - به‌خاطر این است که جوابهای درست را به این سوالها بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخهای غلط، پاسخهای انحرافی، پاسخهای گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امنیت ندارد، صفا ندارد، معنویت ندارد، آرامش روحی ندارد، دل‌های آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیت امروز دنیا است، همه‌ی دنیا این‌جور است.

انسانها برای ارتباط خلق شده‌اند، دلها باید باهم مرتبط باشند، به هم محبت بورزند، به یکدیگر کمک کنند. انسانها باید مثل یک تن واحد در دنیا [باشند]؛ اصلا بشر این‌جوری ساخته شده، این‌جوری تدبیر شده؛ اما امروز شما نگاه کنید ببینید همه‌جا جنگ، همه‌جا ناامنی، همه‌جا ترس، همه‌جا گمراهی، همه‌جا دوری دلها از یکدیگر؛ خانواده‌ها متلاشی؛ اختلاف طبقاتی فاحش؛ عده‌ای برخوردار و بهره‌مند، عده‌ای محروم؛ اینها همه به‌خاطر این است که سوالات زندگی درست جواب داده نشده، غلط فهمیده شده؛ آنوقت این نظامهای اقتصادی و سیاسی کج‌ومعوج در دنیا به وجود آمده و بشریت، مبتلا است؛ میلیاردها انسان، مبتلاک این وضعیتند؛ حتی آنهایی که برخوردار هستند هم مبتلایند. این‌جور نیست که وقتی ما می‌گوییم اختلاف طبقاتی هست، یعنی آن‌کسی که فرض بفرمایید به قول معروف جزو یک درصد جامعه‌ی آمریکایی است، خیلی راحت و خیلی خوش است؛ نه، او هم بدبختی‌هایی، گرفتاری‌هایی، مشکلاتی - روحی، روانی - در زندگی خودش دارد که الی‌ماشالله، گاهی از گرفتاری‌های آدم فقیر بیشتر است؛ یعنی همه گرفتارند. جامعه‌ای که راه درست را نشاناسد، صراط مستقیم را نشاناسد، با خدا مرتبط نباشد، این [طور] است. این جوامع بشری متناسفانه امروز دچار یک چنین ضلالت و گمراهی‌ای هستند. اینکه شما این همه تکرار میکنید و گفته‌اند تکرار کنید «اهدنا الصراط المستقیم»، به‌خاطر همین است. صراط مستقیم یعنی آن راهی که این اقفا، این مشکلات در آن وجود ندارد؛ این معنای صراط مستقیم است. دائم از خدای متعال میخواهید که شما را هدایت کند؛ این هدایت در قرآن است. اگر با قرآن انس گرفتیم، اگر قرآن را درست فهمیدیم، اگر در قرآن تدبیر کردیم، آنوقت پاسخ درست به سوالات زندگی به ما داده خواهد شد؛ بایستی برویم دنبال این، این چیز مهمی است. جوانان عزیز، حالا ان‌شاءالله هرچه با قرآن بیشتر انس بگیرید، این حقایق بیشتر برای شما آشکار خواهد شد؛ هرچه از این شربت گوارا بنوشید، بیشتر مشتاق خواهید شد، بیشتر تشنه خواهید شد؛ قرآن این‌جوری است.

گزیده‌ای از بیانات در ابتدای درس خارج فقه / ۱۳۹۷/۰۱/۲۸

بیانات جناب آقای فرائی کاملاً متین و بجا و پرمغز و برای همه‌ی ما لازم بود. آنچه ایشان در اهمیت درس قرآن و تدبیر در قرآن بیان کردند، جزو حرفهای لازم و ضروری امروز جامعه‌ی ما است. این البته یک درد قدیمی است؛ زمان طلبگی ماها - سالها پیش - همین را کم‌وبیش انسان احساس میکرد؛ البته آنوقت یک آدم باهمنی مثل آقای فرائی نداشتیم. ... خوب، بحمدالله امروز تا حدودی درسهای قرآن وجود دارد؛ ایشان هم انصافاً با جدیت دنبال این قضیه هستند؛ مثل مسئله‌ی نماز یا مثل مسئله‌ی زکات که ایشان دنبال کردند و موفق شدند؛ ان‌شاءالله در قضیه‌ی تفسیر قرآن هم با تلاشی که ایشان دارند، با جدوجهدی که دارند، با ابتکاری که در ایشان هست و با موهبتهایی که خدای متعال به آقای فرائی داده - که بعضی از اینها جزو مواهب خاص است - موفق باشند. امروز استفاده کردیم و خیلی ممنونیم؛ دوستان تلاش کنید که روی این مسئله فکر کنید و ان‌شاءالله تصمیم بگیرید و عمل بکنید.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۹۷/۰۳/۰۶

این خواندن قرآن و تلاوت قرآن و لحن قرآن و تجوید قرآن و مانند اینها همه مقدمه است؛ حفظ قرآن مقدمه است، خواندن قرآن در این جلسات مقدمه است؛ مقدمه‌ی فهمیدن است و فهمیدن مقدمه‌ی عمل کردن است. شما جوانهای عزیز - شما اغلب جوان هستید - با قرآن با این چشم، با این احساس روبه‌رو بشوید که بایستی معارف قرآن را برای زندگی خودتان - زندگی شخصی‌تان، زندگی اجتماعی‌تان و زندگی حکومتی‌تان - فرا بگیرید و آنها را به منصفی عمل دریاورید؛ [به این] مفید بشوید.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

خدا را سپاسگزاریم که روزه‌روز قرآن و مفاهیم آن و شوق به آن و آموختن آن و حفظ آن و تدبر در آن در کشور توسعه پیدا میکند و اینها از برکات انقلاب اسلامی است؛ ولی با این حال، ما از قرآن خیلی دوریم، ما با قرآن فاصله داریم؛ قرآن را پیش از این، در همه‌ی زندگی‌مان، در همه‌ی ذهنیاتمان، عملیاتمان، افکارمان، عزممان، رفتارمان بایستی هادی و ملجأ و امام خود قرار بدهیم؛ و این امروز متأسفانه نیست؛ باید نزدیک بشویم به قرآن. شما جوانهای عزیز، انس با قرآن را و تدبر در قرآن را روزه‌روز بیشتر کنید؛ تلاوت قرآن را فراموش نکنید، تدبر در قرآن را فراموش نکنید. در این خطبه‌ای که از امیرالمومنین (علیه‌السلام) در اینجا خوانده شد، فرمود: ما جالس احد هذا القرآن الا قام عنه بزیاده او نقصان زیاده فی هدی و نقصان عن عمی؛ وقتی پای قرآن نشستیم و از کنار قرآن بعد از بهره‌گیری از آن برخاستیم، باید هدایت ما افزایش پیدا کرده باشد و کوردلی ما کاهش پیدا کرده باشد؛ معرفت ما باید بیشتر بشود، انس ما با معارف حقه بیشتر بشود، قرب ما به خدای متعال بیشتر بشود، شوق ما به عبادت افزون‌تر بشود.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۹۸/۰۱/۲۶

تلاوت قرآن مقدمه‌ی فهم قرآن و به دست آوردن معرفت قرآنی است؛ این را بایستی برای خودمان تامین کنیم. اگر تلاوت، تلاوت درست و به‌جایی باشد، دو فایده‌ی مهم را باید به ما بدهد: یکی اینکه معنویت ما را، روح معنوی ما را تعمیق کند، عمق ببخشد. ما عرف در امور مادی هستیم؛ انسانها احتیاج دارند به توجه معنوی، به روح معنویت و این با تلاوت قرآن -اگر خوب تلاوت کنیم قرآن را- حاصل میشود. و دوم اینکه به فکر خودمان و اندیشه‌ی خودمان مدد برسانیم و آن را از معرفت قرآنی تغذیه کنیم؛ یعنی قرآن، هم در دل ما اثر میگذارد، هم در ذهن ما اثر میگذارد. اگر با قرآن مانوس بشویم، خیلی از مفاهیم حیات و زندگی برای ما روشن خواهد شد. کج‌روی‌ها، بدفهمی‌ها، یاسها، خیانت‌های انسانها به یکدیگر، دشمنی‌های انسانها با یکدیگر، دلیل کردن انسان خود را در مقابل طواغیت عالم و امثال اینها، همه ناشی از دوری از قرآن است. قرآن، هم به ما معنویت میدهد، هم به ما معرفت میدهد.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

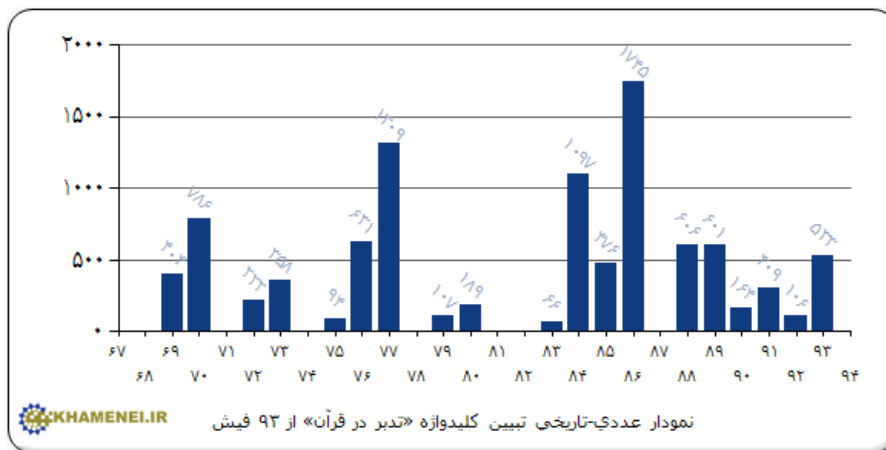
قرآن میگوید: والعاقبه للمتقین؛ (۴) خب عاقبت -پایان کار- یعنی چه؟ پایان کار متعلق است به متقین؛ هم پایان کار دنیا متعلق به متقین است، هم پایان کار آخرت متعلق به متقین است، هم مبارزات اگر بخواهد پیروز بشود متعلق به متقین است، هم در میدان جنگ اگر بخواهید بر دشمن پیروز بشوید باید متقی باشید. ببینید! [اگر] دقت بکنید، [می‌بینید] عاقبت مال متقین است؛ این را یک خرده عمق پیدا کنیم، دقت پیدا کنیم، از جمله نگذریم، [یا مثلاً:] و لنبلونکم بنشی من الخوف والجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين؛ (۵) این خوف چیست؟ جوع چیست؟ انسان بایستی تأمل کند بر روی این کلمات، بر روی این مفاهیم؛ معنای این، همان تدبر در قرآن است؛ تدبر در قرآن، اینها است.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

در قرآن، بیان مثل بیان کتابهای بشری نیست که یک فصل‌بندی بکنند، موضوع‌بندی بکنند؛ نه، خدای متعال در قرآن گاهی با یک کلمه، با یک اشاره، یک دریای معرفت را به سمت انسان سرازیر میکند که اگر چنانچه تدبر کنیم، اگر فکر کنیم، اگر ابعاد را بسنجیم، اگر از خرد بشری برای فهم آن استفاده بکنیم، گاهی معارف عجیبی در یک کلمه برای انسان حاصل میشود. یا فرض بفرمایید که در ضمن یک حکایتی که قرآن دارد بیان میکند، کوتاه یا بلند، راجع به پیغمبران یا غیر پیغمبران - که در قرآن داستانهای فراوانی وجود دارد از گذشتگان- در خلال آن، یک مطلبی را به ما تعلیم میدهد و ما از آن استفاده میکنیم، مثلاً فرض کنید در خلال گفتگوی دو نفر. یا یک حادثه‌ی معینی اتفاق افتاده، یک بیانی نسبت به آن حادثه در قرآن هست، اما این بیان اگر چه مربوط به یک حادثه است، اما مخصوص به آن حادثه نیست؛ این بیان کلیت دارد

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

ماه رمضان ماه قرآن است و حقا میتوان در این ماه از هدایت قرآنی بهره برد. قرآن را بخوانیم، زیاد بخوانیم، با دقت بخوانیم، با تدبر بخوانیم، با توجه به خدای متعال بخوانیم، از خود خدای متعال در تلاوت قرآن طلب کمک کنیم و بدانیم که دل با قرآن جلا پیدا میکند؛ این تعبیر امیرالمومنین (علیه السلام) است که «و ان الله سبحانه لم يعط احدا بمثل هذا القرآن»؛ این خطبه‌ی بسیار زیبای صدهفتادوششم نهج‌البلاغه است که امیرالمومنین (علیه السلام) در مورد قرآن بیان کردند و فقراتی از آن را ما گاهی در صحبتها خوانده‌ایم. اینجا میفرمایند: و ان الله سبحانه لم يعط احدا بمثل هذا القرآن؛ خدای متعال در هیچ یک از کتابهای آسمانی، مثل قرآن آحاد بشر را موعظه نکرده، به آنها درس نداده، آنها را راهنمایی نکرده. فانه حیل الله المتین و سببه الامین و فیه ربیع القلب؛ بهار دل؛ دل را بهاری میکند، دل را باطراوت میکند، دل را سرسبز میکند، دل را زمینهای رویاندن معارف و توجهات حقیقی قرار میدهد؛ و فیه ربیع القلب و ینابیع العلم و ما للقلب جلا غیره؛ این کلمه‌ی «جلا» در فرمایش امیرالمومنین (علیه السلام) است.



«تدبر در قرآن» اصلی بنیادین در تعامل با کلام‌الله مجید / نویسنده : ابوالفضل خوش‌منش / ۱۳۸۷/۱۰/۰۱

بازشناسی مفهوم تدبر در قرآن / نویسنده : سکینه آل‌حبيب / ۱۳۹۰/۰۷/۰۱